

## تحلیل سیاسی هفته (۱۲۳)

### تحلیلی بر نتایج انتخابات پارلمانی ۲۰۱۵ در بریتانیا

#### مقدمه

شهروندان بریتانیا روز پنج‌شنبه ۷ می ۲۰۱۵ در انگلستان، اسکاتلند، ایالت ولز و ایرلند شمالی برای انتخاب نمایندگان پارلمانی خود به پای صندوق‌های رأی رفتند. براساس آخرین گزارش‌های منتشر شده، میزان مشارکت مردم انگلستان در این انتخابات ۶۱/۱ درصد بوده است. از آنجا که ارتباط تنگاتنگی بین قوه مقننه و قوه مجریه این کشور وجود دارد، نتایج انتخابات پارلمانی رقم زننده سرنوشت سیاسی قوه مجریه آن نیز می‌باشد. بر همین اساس موضوع با حساسیت از جانب مؤسسات نظرسنجی دنبال و نتایج تحقیقات میدانی آنها قبل از برگزاری و در آستانه برگزاری انتخابات گزارش و اعلام می‌شد، اما شگفت‌انگیز آنکه علیرغم نظر این مؤسسات که سرنوشت سیاسی ۵ سال آینده انگلیس را حول محور تشکیل دولت ائتلافی یا دولت اقلیت تحلیل می‌کردند، شهروندان به حزب محافظه‌کار رأی قاطع دادند و دیوید کامرون به‌عنوان رئیس حزب مذکور به‌عنوان نخست‌وزیر بریتانیا برای ۵ سال آینده ابقا شد. در ساختار پارلمانتاریستی بریتانیا رهبر حزب پیروز در صورت کسب اکثریت مطلق (نصف به‌علاوه یک) در مقام نخست‌وزیر جای گرفته و اعضای کابینه خود را معرفی می‌کند. حزب محافظه‌کار برای اولین بار بعد از دهه ۸۰ به این پیروزی رسیده و این فرصت را یافته تا دولتی یک‌دست و یکپارچه از اعضای هم‌حزبی خود تشکیل دهد. همین مسئله خود بیانگر نقاط عطفی در سیاست داخلی و خارجی بریتانیاست. با تأملی کوتاه می‌توان پیامدهای سیاست‌گذارانه‌ای را برای بریتانیا تا ۵ سال آتی به تصویر کشید که محور نوشتار حاضر را تشکیل می‌دهد.

#### ۱. ترکیب پارلمان جدید

سیستم سیاسی بریتانیا از نوع پارلمانتاریستی است که رکن اثرگذار سیاسی آن مجلس عوام می‌باشد که هر ۵ سال یک بار کرسی‌های آن در معرض رقابت‌های انتخاباتی کاندیداهای احزاب قرار می‌گیرد. احزاب این کشور که هر یک از آنها در رقابت بر سر ۶۵۰ کرسی مجلس عوام می‌توانند فقط یک کاندیدا معرفی کنند، عبارتند از: حزب محافظه‌کار، حزب کارگر، حزب لیبرال دمکرات، حزب ملی اسکاتلند، حزب استقلال بریتانیا (یوکیپ) و سایر احزاب. به شکل سنتی احزاب محافظه‌کار و کارگر رقبای اصلی بوده‌اند که قدرت را دست به دست به یکدیگر واگذار کرده‌اند. در میان احزاب رقیب این دو حزب، حزب لیبرال دمکرات جدی‌تر از بقیه بوده و جایگاه خاصی نیز در دولت ائتلافی پیشین داشته است. در رقابت انتخاباتی اخیر بالاترین آمار آرا به کارگران و محافظه‌کاران اختصاص یافته است. براساس آخرین نتایج منتشر شده از شمارش آرا، حزب محافظه‌کار به رهبری دیوید کامرون با کسب ۳۲۹ کرسی در مسند قدرت نشست. پس از آن حزب کارگر موفق به کسب ۲۳۳ کرسی، حزب ملی اسکاتلند ۵۶ کرسی، حزب لیبرال دمکرات ۸ کرسی، حزب استقلال بریتانیا (یوکیپ) ۸ کرسی و سایر احزاب سیاسی و افراد مستقل موفق به کسب ۱۶ کرسی شدند. یکی از وجوه تمایز این پارلمان با پارلمان‌های قبلی ارتقای جایگاه حزب ملی‌گرای اسکاتلند به‌عنوان سومین حزب بزرگ پارلمان است. این حزب ۵۶ کرسی از ۵۹ کرسی اسکاتلند در مجلس عوام را به‌خود اختصاص داد و توانست ۴۰ کرسی حزب کارگر و ۱۰ کرسی حزب لیبرال دمکرات را تصاحب کند. مطابق این نحوه توزیع کرسی‌های مجلس عوام، دیوید کامرون دست به تشکیل

معاونت پژوهش‌های  
سیاسی - حقوقی  
دفتر: مطالعات سیاسی

مشخصات گزارش

شماره مسلسل:

۲۶۰۱۴۲۵۰

تاریخ انتشار:

۱۳۹۴/۲/۲۲

دولت زده و به تغییر یا تداوم در حوزه سیاستگذاری مبادرت خواهد کرد. لازم به ذکر است که محافظه‌کاران در شمارش کلی آراء، اندکی بیش از ۳۰ درصد آراء را کسب کردند و براساس نوع ساختار انتخاباتی انگلیس که بر شمارش کرسی‌ها بر مبنای پیروزی با بالاترین آراء در هر حوزه استوار است، توانستند با حصول حد نصاب ۳۲۹ کرسی یعنی ۵۰ درصد به علاوه یک کرسی، مجلس عوام را در اختیار گرفته و به تشکیل یک دولت یکپارچه محافظه‌کار مبادرت ورزند. از نتایج مهم این انتخابات، ناکامی غیرمنتظره حزب کارگر به رهبری اد میلند بود که از دهه ۸۰ به این سو بی‌سابقه بود و به استعفای وی از رهبری حزب کارگر انجامید.

## ۲. پیامدهای قدرت‌یابی حزب محافظه‌کار در انتخابات پارلمانی

### ۲-۱. اقبال به روند واگرایی از اتحادیه اروپا

از مهمترین شاخص‌های سیاست محافظه‌کاران در انگلیس ضدیت با روند همگرایی در اتحادیه اروپاست. با شروع دوره نخست‌وزیری کامرون در سال ۲۰۱۰ دور تازه‌ای از تنش میان این کشور و اتحادیه اروپا آغاز شد. لندن با اعمال فشار بر اروپایی‌ها به منظور گنجاندن سیاست‌های اقتصادی، اجتماعی مدنظر خود به آنها نویدگر روندی واگرا از این اتحادیه بوده است. نکته درخور اهمیت در این زمینه اقبال عمومی به دوری از روند همگرایی اروپایی است. بر همین اساس، گمانه‌زنی‌ها حکایت از آن دارد که اگرچه کامرون به واگرایی از اتحادیه اروپا جامه عمل نخواهد پوشاند، اما نوع و سطح تعامل آن با کشورهای اروپایی تغییر خواهد کرد. این روند متحول ادامه خواهد داشت تا در نهایت همه‌پرسی ۲۰۱۷ تعیین کند که انگلیس در اتحادیه اروپا باقی خواهد ماند یا از آن خارج خواهد شد. با اتکا به این گرایش عمومی بوده که حزب محافظه‌کار بر تغییر مناسبات با اتحادیه اروپا در مبارزات انتخاباتی مانور داده و توانسته بخش عمده‌ای از آرای شهروندان را به خود جلب کند. لازم به ذکر است که در میان احزاب سیاسی انگلیس و جناح‌های میانه‌رو و تندرو درون احزاب، طیفی از گزینه‌ها از خروج از اتحادیه گرفته تا تغییر مناسبات با این نهاد منطقه‌ای مطرح است. دیوید کامرون از مدت‌ها قبل وعده داده بود که در صورت پیروزی در انتخابات همزمان در دو وجه موضوع را در دستور کار قرار خواهد داد؛ از یک‌سو به روند گفتگو با مقامات اروپایی ادامه خواهد داد تا تغییراتی را به منظور کاهش نفوذ این اتحادیه در امور داخلی انگلیس به انجام برساند. او هدف خود را در این راستا اعمال محدودیت‌های بیشتر به منظور جلوگیری از مداخله اتحادیه اروپا در مسائل انگلیس، گسترده ساختن اختیارات پلیس انگلیس و سیستم قضایی این کشور از دخالت‌های دادگاه حقوق بشر اروپا، تمرکززدایی به جای تمرکزگرایی، جلوگیری از مهاجرت گسترده، جلوگیری از وضع قوانین غیرضروری اتحادیه اروپا، آزادسازی تجارت از دخالت‌های فزاینده این اتحادیه اعلام کرده است. ازسوی دیگر، کامرون موضوع خروج کشورش از اتحادیه اروپا را از طریق برگزاری همه‌پرسی در سال ۲۰۱۷ پی خواهد گرفت، بدیهی است که وی هرگونه تصمیم‌گیری در این زمینه را به نتیجه همه‌پرسی موکول خواهد کرد. بر همین اساس ادامه عضویت انگلیس در اتحادیه اروپا از جمله مهمترین مناقشات داخلی این کشور و همچنین منطقه‌ای است که کامرون خود را متصدی تعیین تکلیف نهایی آن می‌داند.

### ۲-۲. تداوم تمایلات استقلال طلبانه اسکاتلندی‌ها

پیامد مهم دیگری که برای انتخابات پارلمانی انگلیس قابل تصور است، تداوم و رشد احساسات ملی‌گرایانه و استقلال طلبانه در میان مردم اسکاتلند می‌باشد. حزب ملی اسکاتلند توانست به رقم بی‌سابقه ۵۶ کرسی در پارلمان اسکاتلند که مجموعاً ۵۹ کرسی دارد، دست یابد. این در حالی بود که این حزب در انتخابات سال ۲۰۱۰ تنها ۶ کرسی را به دست آورده بود. اسکات‌ها سال گذشته با تلاش گسترده حزب ملی اسکاتلند به رهبری «الکس سموند» وزیر اول اسکاتلند، برای اولین بار در همه‌پرسی استقلال اسکاتلند شرکت کردند. این همه‌پرسی بر مبنای وعده‌های گسترده دولت دیوید کامرون مبنی بر اعطای اختیارات بیشتر به اسکاتلند و همچنین هشدار مؤسسات بانکی وابسته به انگلیس نسبت به تبعات جدایی آن از لندن، با اختلافی اندک به ضرر اسکاتلندی‌های استقلال طلب به پایان رسید. درحالی که اغلب تحلیل‌ها حاکی از آن بود که شکست در همه‌پرسی به معنای شکست جریان استقلال طلبی در اسکاتلند است، اما نتایج انتخابات پارلمانی اخیر نشان داد که

گرایش‌های استقلال‌طلبانه در اسکاتلند همچنان به قوت خود باقی است. با این ترکیب جدید در مجلس عوام، از نفوذ سایر احزاب انگلیس در تصمیم‌گیری‌های داخلی اسکاتلند کاسته شده و حتی حزب کارگر که به‌طور سنتی با اقبال اسکاتلندی‌ها مواجه بود، جایگاه خود را از دست داده است. این نتیجه بیانگر آن است که در صورت برگزاری همه‌پرسی مجدد استقلال اسکاتلند، تضمینی برای پیروزی مجدد مخالفان استقلال وجود ندارد. در سطحی دیگر، این تحلیل نیز قوت گرفته که با پیروزی حزب ملی اسکاتلند، اروپا با تقویت احساسات ملی‌گرایانه به سمت چندپارگی و عدم تمرکز تصمیم‌گیری پیش می‌رود. روندی که سال گذشته سایر مناطق استقلال‌طلب در اروپا از جمله در اسپانیا را به طرح درخواست جدایی از دولت مرکزی سوق داد.

### ۲-۳. بازسازی سیاست خاورمیانه‌ای انگلیس

وقایع اخیر در خاورمیانه، انگلیس را بیش از پیش به دنباله‌رو سیاست‌های آمریکا در این منطقه تبدیل کرد و باعث شد تا تناقض دیرینه‌ای که واشنگتن در سیاست منطقه‌ای خود با آن درگیر بود، به لندن هم سرایت کند. نبود توازن در سیاست خاورمیانه‌ای انگلیس میان ادعاهای ارزشی و هنجاری دموکراسی‌خواهانه در منطقه از یک‌سو و تأمین منافع استراتژیک آن در این منطقه حساس از سوی دیگر مناسبات میان لندن و کشورهای منطقه به‌ویژه کشورهای حاشیه خلیج فارس را تحت‌الشعاع قرار داده است. از این‌رو، به نظر می‌رسد دولت جدید کامرون مهمترین رسالت خود را در سیاست منطقه‌ای ترمیم روابط با این کشورها و احیای نفوذ سنتی خود در میان آنها قلمداد می‌کند. گذشته از این، بازار پرسود فروش تسلیحات و گسترش تعاملات اقتصادی انرژی‌محور به‌عنوان راهی برای بهبود اقتصاد بحران‌زده بریتانیاست که از دیگر چشم‌اندازهای سیاست منطقه‌ای دولت جدید محافظه‌کار می‌باشد. برداشت لندن آن است که خلأ قدرت ناشی از تغییر استراتژی آمریکا از خلیج فارس به آسیای شرقی زمینه‌ساز تقویت روابط و حضور نظامی انگلیس در خلیج فارس است. در چنین شرایطی به‌نظر می‌رسد که سیاست «دنباله‌روی» انگلیس در قبال آمریکا در حال تغییر نقش‌آفرینی نیابتی اروپا به رهبری انگلیس از جانب آمریکاست. بنابراین، به نظر می‌رسد که رئیس‌جمهور اصلی سیاست خاورمیانه‌ای انگلیس را ایجاد توازن میان سیاست خارجی هنجارگرا و سیاست خارجی منفعت‌محور با هدف بازسازی و ارتقای سطح روابط با کشورهای منطقه تشکیل می‌دهد. از سوی دیگر، لندن از خطر گسترش افراط‌گری در خاورمیانه آگاه است و ظاهراً به این نتیجه رسیده که بدون در پیش گرفتن سیاستی مناسب در قبال افراط‌گرایان فرقه‌ای نمی‌تواند انتظار نقش‌آفرینی مطلوب خود را داشته باشد. طبعاً بخشی از مدیریت این بحران نیازمند واقع‌بینی و بازنگری در سیاست‌های سابق لندن در منطقه است.

### ۲-۴. سیاست انگلیس در قبال ایران

انگلیس خود را در شرایط حساسی در قبال تنظیم نوع برخورد با ایران می‌داند. از آنجا که دور جدید مذاکرات هسته‌ای با جمهوری اسلامی ایران در دوران نخست‌وزیری کامرون آغاز شده، هم‌اکنون حزب محافظه‌کار به‌عنوان کارگزار قدرت در انگلیس در صورت توافق احتمالی، خواهان بهره‌برداری از امتیازات حاصله در این زمینه است به‌طوری که انگلیس اینک زمان مناسبی فراروی خود می‌بیند که از سایر شرکای غربی‌اش عقب نماند. حال که حزب محافظه‌کار بخشی از اعتبار سیاسی خود را در گرو نوع برخورد با موضوع ایران در قالب مذاکرات قرار داده است، فرصتی فراهم شده تا نقش فعال‌تری در این زمینه ایفا کند. از سوی دیگر باید به این موضوع نیز توجه داشت که حزب محافظه‌کار نشان داده سیاست خارجی خود را در پیوند با آمریکا تعریف می‌کند و از این‌رو، نمی‌توان سیاست آن را در قبال ایران جدای از نوع سیاست واشنگتن تصور کرد. آنچه در آینده روابط انگلیس با تهران تعیین‌کننده است، نتایج مذاکرات هسته‌ای و مشخصاً نوع تعامل تهران - واشنگتن است. در واقع، باید به این نکته توجه داشت که علیرغم اینکه می‌توان انتظار تغییرات احتمالی را در سیاست خارجی لندن به سکانداری محافظه‌کاران داشت، اما در عین حال باید واقف بود که سیاست خارجی هر کشوری از جمله انگلیس مبتنی بر مبانی و جلوه‌های استراتژیک است که در کوتاه‌مدت و با تغییر کارگزاران تغییر نمی‌کند.

## نتیجه‌گیری

انتخابات پارلمانی انگلیس در حالی به پیروزی محافظه‌کاران منتهی شده که نظرسنجی‌ها حکایت از نتایجی متفاوت داشتند. از آنجا که ارتباط تنگاتنگی میان قوه مقننه و قوه مجریه در نظام سیاسی انگلیس برقرار است، انتخابات ۷ می مانند سایر دوره‌های انتخاباتی از حساسیت دوگانه برخوردار بود. زیرا در نتیجه آن هم تکلیف کرسی‌های نمایندگی مجلس عوام و هم تکلیف تصدی مقام اجرایی این کشور تعیین می‌شد. در نتیجه این انتخابات، دیوید کامرون به‌عنوان رهبر حزب پیروز در مقام نخست‌وزیری ابقا شد. حال می‌توان نشانه‌های تغییر و تداوم در سیاست خارجی انگلیس را به‌عنوان پیامدهای آن مورد تحلیل قرار داد. ترکیب مجلس جدید بیانگر روندهای تأمل‌برانگیز در جامعه انگلیس می‌باشد. پیروزی چشمگیر حزب ملی اسکاتلند بار دیگر بر مناقشه استقلال این سرزمین دامن می‌زند. این موضوع به سرزمین بریتانیا محدود نشده، بلکه دیگر سرزمین‌های اروپایی را نیز درمی‌نوردد. از سوی دیگر، محافظه‌کاران مسئول برگزاری همه‌پرسی خروج از اتحادیه اروپا خواهند بود. به نظر می‌رسد خروج از اتحادیه اروپا گزینه‌ای در میان سایر گزینه‌ها با ضریب احتمال متفاوت باشد، اما حداقل کامرون به بازنگری در سطح و نوع روابط با این نهاد اروپایی همت می‌گمارد، چراکه یکی از بسترهایی که مبارزات انتخاباتی وی را تشکیل می‌داد، بهره‌برداری از تمایل عمومی برای کناره‌گیری از اتحادیه اروپا بود. خارج از منطقه اروپا، به‌طور خاص خاورمیانه و خلیج فارس و مشخصاً ایران نیز در کانون سیاست خارجی محافظه‌کاران قرار دارد. آنچه در تحلیل سیاست منطقه‌ای لندن نباید به فراموشی سپرده شود، پیوند عمیق محافظه‌کاران با سیاست خارجی آمریکاست که بعد استراتژیک دارد. از این‌رو، ضمن اینکه می‌توان انتظار خلق فرصت‌هایی را برای سیاست خارجی ایران به‌ویژه در مذاکرات هسته‌ای داشت، اما در عین حال باید به این نکته نیز توجه داشت که سیاست خارجی انگلیس در عین حال که تمایل به بهره‌برداری از فرصت ایجاد شده در نتیجه مذاکرات هسته‌ای دارد، اما با نگاه منفعت‌محور دارای پیوندهای عمیق با سایر کشورهای غربی است.

